

آن «تعلق

محبت آمیز»

اساس مدینه

دینی است و در

چنین فضایی،

مردم می توانند

به عنوان یک

کلیت محقق

شوند. البته

چنین چیزی الآن

برای مایک امر

محقق نیست

و یک الگوی

آرمانی است. این،

نمونه آرمانی ماز

سیاست ورزی

و جامعه پردازی

است که در

مقابل نمونه های

آرمانی مدرن

چپ و راست

قرار می گیرد: در

مقابل «پیکار

طبقاتی چپ ها»

و «جامعه مدنی

راست ها».

اما ادعای نظری پوپولیسم این است که این سمپاتی اجتماعی را بین کل مردم و قدرت رسمی برقرار می کند.

### نقد پوپولیسم

پوپولیسم در مقام ادعا دنبال چنین چیزی است ولی در نهایت ذیل سیاست ورزی دموکراتیک

مدرن و «سیاست تجزیه مردم» قرار می گیرد. سیاست مبتنی بر دموکراسی مدرن دو مؤلفه اصلی دارد: «منفعت محور» و «کمیت انگار» است. پوپولیسم گونه ای از ایدئولوژی های ذیل دموکراسی مدرن است. مبنایش این است که اگر در جست و جوی حقیقتی هستیم، حقیقت از طریق اکثریت به دست می آید و معرفت شناسی کمیت انگار دارد. همچنان سیاست را با منفعت تعریف می کند. اما در اندیشه دینی به این نگاه باور نداریم و سیاست با منفعت تعریف نمی شود. اگر چه به دنبال این هستیم که نیازهای مادی انسان ها را تأمین کنیم ولی سیاست قرار نیست خود را به منفعت منحصر کند. بین این که سیاست نیازهای مادی انسان ها را تأمین کند با این که سیاست فقط نیازهای مادی انسان ها را تأمین کند و به اقتصاد مقید شود، تفاوت وجود دارد. در هر صورت باید تأکید کرد که روح پوپولیسم به مثابه یک ایدئولوژی مدرن، «غیردینی» است؛ هر چند که سازماندهی پوپولیست ها با سازماندهی مد نظر لیبرالیست ها و سوسیالیست ها تا حدودی تفاوت دارد.

### دولت سیزدهم به مثابه

### دولت مردمی

دولت سیزدهم خود را به مثابه «دولت مردمی» تعریف کرده است. از نظر تئوریک، جوهر دولت مردمی دو امر مفهومی است: یکی کنار زدن

«مرزبندی دولت - ملت» است که از دوره تجدد مآبی (شبه مدرنیته) در ایران به صورت جدی مطرح شده است و دوم، محوریت دادن به «کلیتی به نام مردم» است که این مفهوم عمدتاً در فضای انقلاب اسلامی عینیت پیدا کرده است. این دو اتفاق ذیل پارادایم «امت - امامت» معنا پیدا می کنند و ذیل پارادایم سیاست مدرن نمی توانند محقق شوند. جوهر شعار «دولت مردمی» آیت الله رئیسی همین مسئله است. نوعی تفسیر تازه از امر اجتماعی و امر سیاسی حول محور «مردم». نوعی تفسیر تازه از دوگانه دولت - ملت که اندیشه سیاسی مدرن ساخته بود و به خصوص در دو بیست سال اخیر در ایران به طور دائم با آن به عنوان یک مسئله مواجه بوده ایم.

«میشل فوکو» در آذرماه سال ۱۳۵۷ به ایران سفر کرد و می گوید من مفهوم اراده عمومی «ژان ژاک روسو» را در خیابان های تهران دیدم. «اراده عمومی» یک مفهوم کلان است که بالاتر از اراده فردی و جمعی قرار می گیرد و گاه ممکن است حتی اراده جمعی، مخالف اراده عمومی باشد. مفهوم اراده عمومی کمی متفاوتی است. جمع اراده ها یا اراده جمعی نیست و با مصالح گره خورده است. فوکو می گوید من چیزی را دیدم که در واقع، ورای اراده جمعی است. یک «پیکره واحد» شدن است. این اتفاق در تاریخ ایران اولین بار با انقلاب اسلامی رخ داده است. و به نظر من این ظرفیت تئوری